

تحفظوا من الارض فانها امکم: حرمت زمین را
بدارید [و از آن حفاظت کنید] که آن به منزله
مادر شماست (رسول اکرم ص)

جهان بینی، فرهنگ و حقوق محیط زیست

محمد نقی زاده

واحد تحقیقات مهندسان معمار و شهرساز پارت

چکیده: موضوع حقوق محیط زیست و حفاظت از آن ظاهراً موضوعی جدید است که پس از مواجهه انسان دوران صنعت با بروز مشکلات ناشی از استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و تخلیه انواع آلودگی‌ها در محیط زیست، مورد توجه متفکران و قانونگذاران و دولت‌ها قرار گرفته است. متعاقب توجه جهان صنعتی غرب به این موضوعات، ممالک جهان سوم نیز به تدریج به قافله طرفداران حفاظت پیوسته‌اند. از آنجایی که وضعیت حاضر چیزی جز تجلی عینی اصول حاکم بر جهان بینی مغرب زمین، غفلت از مبانی معنوی علوم مهندسی [۱]، بی‌اعتنایی به اخلاق مهندسی، استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و تخریب محیط زیست طبیعی نیست، توجه به وضعیت حاضر و شناخت آن و همچنین، توجه به مبانی فرهنگ ایرانی در مورد محیط زیست [که می‌تواند و باید مورد توجه جملگی متخصصان و مهندسان که به سر حال با مواد طبیعی سر و کار دارند و حاصل فعالیت آنها تغییر در محیط زیست است] یکی از مهمترین گامهاست. در واقع، سخن در این است که بدون توجه به جهان بینی و فرهنگ و نحوه نگرش انسان به عالم هستی امکان تبیین، تدوین، ارزیابی و نقد حقوق حفاظت از محیط زیست ممکن نیست. مقاله حاضر که به منظور وضوح مباحث مربوط نگاشته شده است، تجزیه و تحلیل خود را با عناوین زیر مطرح کرده است: مقدمه و کلیات، مقام طبیعت در جهان بینی اسلامی و فرهنگ ایرانی، تفاوت‌های نگرش به طبیعت، اجمالی از وضعیت امروز و نتیجه‌گیری و پیشنهادها.

واژه‌های کلیدی: حقوق، جهان‌بینی، فرهنگ، حفاظت از محیط زیست، طبیعت، اخلاق

مهندسی.

۱. مقدمه و کلیات

موضوعاتی چون طبیعت، محیط زیست، رابطه انسان با محیط طبیعی و نیاز وی به آن، معنا و محدوده طبیعت و محیط، علل و سابقه بروز اختلال در طبیعت و تخریب محیط زیست، حفاظت از محیط زیست، مبانی نظری حقوق محیط زیست به همراه مبانی نظری و فلسفی این موضوعات در جوامع گوناگون از مباحث عمده‌ای است که به عنوان دل مشغولی‌های روز انسان معاصر در آمده است. علاوه بر همه اینها، عاملان ایجاد اختلال در طبیعت و تخریب آن و ارائه‌دهندگان الگوهای حفاظت از آن به همراه قوانین و مباحث مطرح شده موضوعاتی هستند که نیازمند شناسایی و توضیح و تشریح هستند تا بر اساس این شناسایی بتوان قوانین و روش‌های مناسب برای هر جامعه و تمدن و مملکتی را که از جهان‌بینی و فرهنگ و ارزش‌ها و شرایط محیطی آنها منبث شده باشد، تبیین کرد. آنچه امروزه در بسیاری از مناطق جهان رواج دارد تکرار مباحث و تقلید از الگوها و روش‌هایی است که در ممالک صنعتی مغرب‌زمین ابداع و معرفی می‌شوند. ممالکی که خود نه تنها با توسعه‌های ناهنجار صنعتی که به دلیل ترویج تفکر مادی‌گرایانه و سلطه‌جویانه بر طبیعت عوامل اصلی مشکلات زیست‌محیطی در کره زمین بوده‌اند.

با توجه به این موضوع و تفاوت ماهوی در جهان‌بینی و فرهنگ ممالک غرب با جوامع شرقی و به‌خصوص جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ ایرانی، نوشتار حاضر سعی بر آن خواهد داشت تا مبانی مناسب حقوق محیط‌زیست را برای ایران مورد شناسایی قرار دهد. قبل از پرداختن به مباحث مرتبط با مبانی حقوق محیط‌زیست مورد نظر، ارائه توضیحاتی در باره برخی تعابیر و اصطلاحات و بیان اجمالی برخی کلیات که وضوح بحث را تسهیل خواهند کرد ضروری به نظر می‌رسد که در این بخش و در سطور آتی به آنها اشاره شود.

۱.۱. تعابیر و اصطلاحات

اگرچه تعابیری چون محیط، طبیعت محیط زیست، حفاظت از محیط‌زیست، علم، سنت، تجدد و سایر تعابیر مورد استفاده در این مقاله در جاهای دیگر به‌طور مبسوط تشریح و در باره آن توضیح داده شده است [۲ و ۳]، لیکن به‌منظور فراهم آمدن امکان مفاهمه اشاره اجمالی به معنای مورد نظر آنها ضرورت دارد.

● محیط زیست انسان فضا و مکان واحدی است که انسان (اجتماع)، طبیعت و عناصر طبیعی، فرهنگ و فضای فرهنگی و محیط مصنوع و عناصر انسان ساخت، اجزا و عناصر غیر قابل تفکیک و لایتجزای آن هستند که به صورت دوایر متداخل همپوشانی دارند. اما اصطلاحاً محیط زیست به طبیعت و عناصر طبیعی موجود در کره زمین - و در مقیاسی کوچکتر در محدوده زندگی انسان همچون شهر یا روستا - اطلاع می شود که برای فراهم آوردن زمینه تفاهم و گفتگو و موضوع مقاله این تعریف اصطلاحی ملاک مقاله خواهد بود. ضمن آنکه محیط زیست در قوانین ایران چنین معنا شده است:

الف. آنچه پیرامون زیستن را در بر گرفته و با آن در فعل و انفعال است؛

ب. فضایی با تمامی شرایط فیزیکی، بیولوژیکی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و غیره که همه موجودات زیست کننده در آن را شامل می شود و مجموعه روابط بین آنان را در بر می گیرد [۴].

تعریف برخی از سازمان های بین المللی در باره محیط زیست نیز به این شرح است: "انسان مخلوق و شکل دهنده محیط زیست خود است. محیطی که به وی بقای فیزیکی، فرصت رشد معنوی | اخلاقی، اجتماعی و روحی | عطا می کند [۵]. انسان ها موضوع اصلی هر گونه توسعه هستند. برخورداری از سلامت و توانایی های جسمی و روحی جزء حقوق انسان ها در انطباق با طبیعت است" [۶]. یونسکو محیط زیست را "محیط زندگی بشر یا آن بخش از جهان می داند که بنا به دانش کنونی بشر همه حیات در آن استمرار دارد" [۷] و شورای اقتصادی اروپا محیط زیست را این گونه تعریف می کند: "محیط زیست شامل آب، هوا، خاک و عوامل درونی و بیرونی مربوط به حیات هر موجود زنده می شود [۷]."

● تعبیر "حفاظت از طبیعتی" یا "حفاظت از محیط زیست" نیاز به معنا شدن دارد. در واقع، مراد از کاربرد این تعبیر و ویژگی های آن باید کاملاً روشن و جامع باشد. برای نمونه، نباید از آن جدایی انسان از طبیعت به ذهن متبادر شود. ضمن آنکه حفاظت از منطقه یا محدوده ای خاص نباید به رها شدن سایر مناطق منجر شود، زیرا در صورت بروز چنین حالتی مناطق حفاظت شده به مرور به محاصره مناطق آلوده و تخریب شده و نامساعدی که تحت حفاظت نیستند، در می آیند. این مناطق به مرور مناطق حفاظت شده را نیز تحت تأثیر قرار می دهند و تخریب و نابود می کنند. حفاظت از طبیعت نباید عامل جدایی انسان از طبیعت شود، به این

ترتیب که قانون به محدوده خارج از شهرها توجه کند و طبیعت محدوده شهرها را که بخش مهمی از محیط زیست انسان هستند به حال خود رها نماید.

● واژگان توسعه، توسعه پایدار و انسان‌گرایی نیز اگرچه واجد معانی متفاوتی هستند، عمدتاً به معانی مصطلح و رایج‌شان به کار گرفته شده‌اند [۲ و ۳].

۲.۱. رابطه جهان‌بینی با نگرش به محیط زیست

با عنایت به امکان تقسیم‌بندی جهان‌بینی‌های جوامع بشری به جهان‌بینی توحیدی و جهان‌بینی شرک یا دو عنوان جهان‌بینی الهی و جهان‌بینی مادی و با توجه به تأثیری که جهان‌بینی بر جهت‌دادن و هدایت فکر و عمل انسان‌ها در وصول به غایتی که برای انسانیت قائل هستند، دارد، به سهولت می‌توان حداقل دو نوع برخورد با طبیعت و دو روش بهره‌گیری از منابع طبیعی را معرفی کرد. بدون دخول در جزئیات هر یک از این دو نوع بینش و جهان‌بینی فقط برخی ویژگی‌های عمده آنها که به چگونگی بهره‌برداری و حفاظت از محیط زیست برمی‌گردد، معرفی می‌شود. اولین موضوع عبارت از تفاوت در قائل بودن حیات و معنا برای طبیعت است. یک جهان‌بینی طبیعت را موجودی هوشمند و دارای حیات و معنا می‌داند و برای آن ملکوتی قائل است و قوانینی را بر آن حاکم می‌داند که تخطی از آنها زمینه به راه آمدن یا هلاک عنصر و عضو خاکی را - حتی اگر انسان باشد - فراهم می‌آورد. تفکر دیگر طبیعت را ماده‌ای بی‌جان و فاقد معنا معرفی می‌کند که هرگونه تصرف در آن را به‌منظور کسب ثروت مجاز می‌شمارد. به تبع همین دوگانگی نگرش، بسیاری تعاریف که با چگونگی بهره‌گیری از طبیعت مرتبط هستند، مانند کمال، پایداری، اسراف، حفاظت، میانه‌روی، تعادل و حتی حقوق محیط زیست تعاریفی دوگانه خواهند بود و به عبارت دیگر، بسته به جهان‌بینی، تعاریفی متفاوت از این اصول ظاهراً مورد قبول همه ارائه می‌شود. انسان موضوع بسیار مهمی است که جهان‌بینی‌های مختلف تعاریفی متفاوت و حتی متضاد از او ارائه داده‌اند و بالطبع نقش‌هایی که برای او در زمین و غایتی که برای حیات او قائل هستند نیز متفاوت است. این تفاوت‌ها در تبیین و تعریف رابطه انسان با طبیعت نیز تأثیری جدی بر جای خواهند گذاشت که تمدن‌های مختلف در طول تاریخ جلوه‌هایی از آن را به

نمایش گذارده‌اند.^۱

۳.۱. رابطه انسان و محیط زیست

انواع روابط انسان با طبیعت و محیط‌زیست وی بر دو روش اصلی که بر دو نوع نگرش به طبیعت استوار هستند قابل تقسیم و طبقه‌بندی هستند: روش حق‌گرایانه و روش سوداگرایانه. روش اول یا روش حق‌گرایانه روشی است که با معرفی انسان به عنوان یکی از موجودات عالم هستی که باید در قالب قوانین حاکم بر عالم وجود که ریشه در ماوراءالطبیعه دارند، عمل و فعالیت کند، جهت و ویژگی‌های رابطه انسان با طبیعت را مشخص می‌کند. اهم این قوانین عبارت‌اند از: عدالت، توازن، هماهنگی، اصلاح، عمران، کمال‌بخشی و اصول و ارزش‌هایی از این دست، به همراه احتراز از اعمالی چون اسراف، تبذیر، فساد، ظلم و صفات مذمومی از این قبیل. روش دوم، روش سودگرایانه است که بر پایه تفکر انسان‌محوری استوار است و تمرکز اصلی خویش را بر استیلا بر طبیعت به منظور دریافت حداکثر سود و منفعت قرار داده است. این تفکر که پس از انقلاب صنعتی و بر پایه تفکرات سودگرایانه و ظاهرین و دنیاگرایی که معنویت و روحانیت عالم هستی و طبیعت را به کناری نهاد، تعیین‌کننده شیوه رفتار انسان با طبیعت بوده و در دهه‌های گذشته ثمرات فاجعه‌بار خویش را نمایانده است. به نحوی که محیط را برای تداوم حیات مادی و حتی برای بهره‌گیری سوداگرانه نیز نامساعد کرده است. مروری اجمالی به هر یک از این روش‌ها و نتایج مترتب بر آن نشان می‌دهد که روش اول از ابتدا و روش دوم پس از مدتی که آثار نامطلوب آن آشکار می‌شوند، حفاظت از محیط‌زیست را توصیه می‌کنند، با این تفاوت که در حالت اول، حفاظت از محیط نتیجه تفکر و جهان‌بینی حاکم بر انسان بوده و همیشه رعایت می‌شده است و باید رعایت شود، در حالی که در حالت دوم، ابتدا تخریب طبیعت به وقوع پیوسته و بعد از آن تنها در جهت همان تفکر سوداگرایانه‌ای که موجد وضعیت نامناسب بوده است حفاظت از محیط زیست توصیه می‌شود. به این ترتیب، هر روشی که در برخورد با طبیعت اتخاذ شود، نیاز به حفاظت از آن و

۱. این تأثیر را می‌توان با مطالعه فرهنگ تمدن‌های شرق دور، هند، ایران، اسلام، مسیحیت و دوران مدرن غرب

به خوبی دریافت. برای مطالعه در این زمینه به مراجع [۸] و [۹] رجوع کنید.

بهره‌گیری صحیح از طبیعت وجود دارد.

در تبیین جزئی‌تر رابطه انسان با طبیعت باید اصولی را مورد توجه قرار داد که توجه به این اصول فهم لزوم و مبنای حفاظت از طبیعت را روشن می‌کند. رابطه انسان با طبیعت رابطه مالکانه نیست، ضمن آنکه این رابطه فردی یا حتی گروهی نیست. به این معنا که انسان‌ها - اعم از فرد و اجتماع - با ضوابط و شرایط خاصی می‌توانند در بخشی از طبیعت که آن ضوابط و شرایط در آن لحاظ شده است - مثل احیای اراضی موات - باز هم مطابق مقرراتی که منافع عام در آن ملحوظ شده باشد تصرف کنند. علاوه بر آن، بسیاری از منابع همچون هوا، آب و خاک ملک شخصی افراد نیستند تا هرگونه بخواهند آنها را بیالایند. دیگر اینکه فرد یا گروه یا حتی کشوری خاص نمی‌تواند به استناد فراهم شدن شرایط مالکیت یا حدود و قلمروهای تعیین شده جغرافیایی و سیاسی هر نوع تصرفی را که بخواهد در طبیعت تحت قلمرو و مالکیت - جعلی - خویش اعمال کند.

۴.۱. علل بروز بحران‌های زیست‌محیطی

اگرچه عوامل متعددی برای بحران‌های زیست‌محیطی ذکر می‌شود، ولی اصلی‌ترین علت را می‌توان در بی‌توجهی به تعادل موجود در طبیعت و انجام دادن اعمالی که منجر به برهم خوردن این تعادل شده است جستجو کرد. ناآگاهی یا غفلت از قوانین و اصول حاکم بر عالم وجود را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین علل بحران‌های زیست‌محیطی معرفی کرد. این غفلت نیز ناشی از خودمحور پنداشتن انسان و پاسخ به آزمندی انسان‌هایی است که به معنویت و اخلاق بی‌اعتنا بوده و فقط به حداکثر بهره‌وری اقتصادی می‌اندیشیده‌اند. جملگی این موضوعات را می‌توان به نحوی با بحران اخلاقی و معنوی مرتبط و بحران‌های زیست‌محیطی را نیز منتج از آن دانست. این موضوع در سال‌های اخیر مورد توجه اندیشمندان و متفکران و حتی مدیران تشکیلات مرتبط با محیط زیست قرار گرفته است^۱ [۱۰].

۱. برای نمونه به مرجع [۱۰] رجوع کنید. همچنین برپایی کنفرانس بین‌المللی با عنوان دین، فرهنگ و محیط زیست با همکاری برنامه محیط زیست سازمان ملل متحد (UNDP) در تهران (۱۳۸۰) گویای اهمیت این مطلب است.

۵.۱. مبانی نظری و خاستگاه قوانین محیط زیست

با بروز بحران‌های زیست‌محیطی و آگاهی انسان به برخی از عوامل مادی و ظاهری آن، جوامع پیشرفته سعی کردند راه‌هایی برای حفظ وضع موجود جستجو کنند. به منظور دستیابی به هدف حفاظت از محیط‌زیست، بستری مورد استناد و استفاده قرار گرفته است که خود موجد و بانی تخریب محیط زیست و خروج طبیعت از تعادل بوده است. عمده‌ترین مبانی آن همچنان حذف با بی‌توجهی یا قائل نبودن معنویت و معانی نمادین و تقدس برای طبیعت است. به این ترتیب که طبیعت همچنان نه به عنوان مادر^۱ و بستر حیات و کمال انسان، که به مثابه ابزار و مصالح مصرف و لذت‌جویی و رفاه و تفریح و تفتن مدنظر است. حتی در بسیاری از موارد وقتی که برخی ویژگی‌های فرهنگی بعضی مناطق و نواحی ملاک عمل حفاظت قرار می‌گیرد، بدان دلیل است که عده‌ای خاص به آنها توجه دارند، نه این که طراح و برنامه‌ریز به آن اعتقادی داشته باشد. در واقع، این حفاظت در بسیاری موارد به منظور حسب درآمد اقتصادی است و نه باور و اعتقاد به احترام به طبیعت. مضافاً این که این ویژگی‌های فرهنگی به‌عنوان جاذبه‌های توریستی که می‌توانند برای عده‌ای فایده اقتصادی داشته و درآمدزا باشند مورد توجه هستند و نه به دلیل معنویت آنها. به بیان دیگر، سیطره کمی‌گرایی و تفکر سوداگرایی همچنان بر برنامه‌های انسان ساخته مشهود است.

۶.۱. تاریخچه قوانین زیست محیطی در ایران

اولین قانون ثبت شده در ایران با نام قانون شکار در تاریخ ۴ اسفند ۱۳۳۵ به ثبت رسیده است. در سال ۱۳۴۶، سازمان شکاربانی و نظارت بر صید جایگزین قانون شکار ایران شد و بدین ترتیب، اولین دستگاه مستقل دولتی برای نظارت بر مسائل زیست‌محیطی کشور شکل گرفت. در همان سال آیین‌نامه اجرایی قانون شکار و صید مشتمل بر شش فصل و ۳۶ ماده طبق تصویب‌نامه مورخ ۹/۱۰/۴۶ به تصویب هیئت وزیران رسید که در آن تشکیلات سازمان، مقررات مربوط به شکار و تکثیر و پرورش و خرید و فروش حیوانات وحشی و امور مربوط به مناطق سازمان در آیین‌نامه مذکور مشخص شده است. مروری اجمالی بر سیر تصویب و

۱. تحفظوا من الارض فانها امکم: حرمت زمین را بدارید [و از آن حفاظت کنید] که آن به منزله مادر شماست [۱۱]

تحولات قوانین مرتبط با محیط‌زیست نشان می‌دهد که از سال ۱۳۰۷ که اولین مواد قانونی مربوط به شکار در قانون مدنی ایران گنجانیده شد تا سال ۱۳۵۰ که "سازمان شکاربانی و نظارت بر صید" به "سازمان حفاظت محیط زیست" تغییر یافت و پیشگیری و ممانعت از اعمالی که به آلودگی یا تخریب محیط زیست منجر شود به این سازمان واگذار شد. جملگی قوانین مصوب به نحوی با شکار و صید و ماهیگیری مرتبط بوده است؛ به عبارت دیگر، تا سال ۱۳۵۰، فقط در مورد حیوانات شکاری کشور قانون وضع شده است. در سال ۱۳۵۳، سازمان محیط زیست پس از تصویب قانون ۲۱ ماده‌ای حفاظت و بهسازی محیط زیست - که البته آیین‌نامه اجرایی آن در اسفند ۱۳۵۴ به تصویب رسید - اختیارات و صلاحیت‌های قانونی نسبتاً وسیعی به دست آورد [۴]. پس از آن نیز بنابه مورد قوانینی تصویب شده است که به نحوی به حفاظت محیط‌زیست مربوط می‌شده‌اند که از جمله قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا (۱۳۵۴)، قانون شکار و صید (۱۳۵۳)، مواد ۱۰۴ و ۱۰۵ برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۹)، تبصره‌های ۸۱، ۸۲ و ۸۳ قانون برنامه دوم (۱۳۷۳)، بسیاری آیین‌نامه‌های اجرایی و در رأس همه آنها اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸) قرار دارد. بررسی قوانین مرتبط با محیط‌زیست در ایران حاکی از فقدان مجموعه‌ای واحد، جامع و کل‌نگر در مورد محیط‌زیست، چگونگی بهره‌گیری از منابع طبیعی، روش‌ها و الگوها و روند حفاظت از محیط زیست، نحوه برخورد با خاطیان، چگونگی تشویق جامعه، وظایف سازمان‌ها و تشکیلات خصوصی و دولتی در زمینه حفاظت از محیط‌زیست و سایر مسائل مرتبط با آن است. مروری بر مجموعه قوانین زیست‌محیطی ایران نیز به وضوح گویای این امر است. این در حالی است که در بسیاری از موارد و در غالب طرح‌ها کمیّت و به‌خصوص مسائل و توجیّهات اقتصادی و آن هم توجیه اقتصادی کوتاه‌مدت و همچنین، بخشی‌نگری حرف اول را می‌زند و به این ترتیب، جایی برای نظرها و آرای زیست‌محیطی باقی نمی‌ماند.

۲. مقام طبیعت در جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ ایرانی

فرهنگ ایرانی را از نظر تاریخی در دو دوره اصلی قبل و پس از اسلام می‌توان مورد بررسی قرار داد. در هر دوره تاریخی، فرهنگ ایرانی ملهم از ارزش‌های دینی بوده است. قبل از

اسلام، ایرانیان به طبیعت به ویژه خاک، آب، آتش، هوا و گیاه به مثابه عناصری مقدس می‌نگریسته‌اند که نه تنها آلودن آنها گناه شمرده می‌شده که پاک نگهداشتن و پاک کردن آنها وظیفه‌ای دینی بوده است. ضمن آنکه علاوه بر وجه ظاهری و دنیایی، وجهی معنوی و آسمانی نیز برای آنها قایل بودند.^۱ در دوره پس از اسلام با تأثیرگذاری جهان‌بینی اسلامی غنای فرهنگ ایرانی در رابطه انسان با طبیعت و چگونگی بهره‌گیری از آن دوچندان شد. جهان‌بینی اسلامی که طبیعت را به مثابه آیات الهی و نشانه‌هایی برای شناخت خالق جهان هستی معرفی می‌کند (یونس: ۱۰۱، فصلت: ۵۳، عنکبوت: ۴۴، جاثیه: ۵ و بسیاری آیات دیگر) به تبع تعالیم قرآنی محیط را یکی از نام‌های حضرت حق می‌داند (بروج: ۲۰، بقره: ۱۲۶، فصلت: ۵۴ و...) و برای طبیعت علاوه بر شکل و ظاهر و منافع مادی آن، ملکوتی قائل است (انعام: ۷۵ و یس: ۸۳) که به تعبیر علامه طباطبایی (ره) همان عالم امر است [۱۳]. مرعی داشتن اصولی همچون احتراز از اسراف و تبذیر و رعایت میانه‌روی و تعادل و قناعت، بهره‌گیری از منابع طبیعی را در مسیر منطقی و انسانی خویش قرار می‌دهد. ضمن آن که قائل بودن حقوقی برای حیوانات و گیاهان و حتی جمادات و زمین هرگونه سلطه‌جویی مفسدانه را متفی می‌کند. در این زمینه نیز سخن و مستندات بسیار است که برای مطالعه بیشتر در باره آنها به منابع ذیربط احاله می‌شود تا امکان تدقیق در سایر موارد ممکن شود و تنها به ذکر نمونه‌هایی بسنده می‌شود.

“امام ششم از نبی اکرم (ص) روایت کرده‌اند که ایشان فرمودند: حیوان را بر صاحبش حقی است و آن این است که در هر منزلی که از حیوان فرود آید، ابتدا باید برای علف‌دادن حیوان بشتابد و چون بر آب گذشت، آب را بر حیوان عرضه دارد؛ یعنی در زمان استراحت، اول باید شرایط استراحت مرکب را فراهم آورد و بعد خود به استراحت پردازد. روزی پیامبر شتری را دیدند که پای آن بسته بود - یعنی وقت استراحت او بود - ولی هنوز جهاز از پشت او برنداشته بودند تا استراحت کند. حضرت فرمودند: کجاست صاحب این شتر که باید فردای قیامت برای مخاصمه با این شتر آماده باشد. چرا که او در قیامت حق خود را از او خواهد

۱. با احتراز از ذکر جزئیات، مطالعه بیشتر به منابع مربوط ارجاع می‌شود. از جمله برای مطالعه در مورد احترام به آب و ارزش آن در فرهنگ ایرانی به مرجع [۱۲] رجوع کنید.

ستاند. "امام صادق (ع) فرمودند: "کاروان‌داری که برای زود رسیدن به محل مورد نظر، حیوان خود را مورد زجر و شکنجه قرار دهد، شهادتش مورد قبول نیست." ملاحظه کنید که از دیدگاه دین مقدس اسلام رعایت نکردن حقوق حیوانات حتی می‌تواند فرد را از موضع عدالت عزل کند" [۱۴]. امام علی بن ابیطالب (ع)، این اسوه و مجسمه عدل، در بیان شقوق مختلف متقابل حق، حتی از حقوق حیوانات غفلت نورزیده است و می‌فرماید: "و به نگهداری آنها [مال مسلمانان] مگمار، مگر مردی نیکخواه و مهربان و امین را که نیک‌نگهبانی کند. کسی که با ستوران درشتی نکند و آنها را تند نراند و خسته‌شان نگرداند. چون امین تو ستوران زکات را گرفت، از او بخواه که در راه میان مادر و کره شیرخواره‌اش جدایی نیفکند و آن قدر آن را ندوشد که کره‌اش را زیان رسد و با سوار شدن بر آنها خسته [شان] نکند و میان آن شتر که بر آن سوار می‌شود یا آن را می‌دوشد و دیگر شترها عدالت ورزد" [۱۵].

متون مختلف تعالی اسلامی به انحای مختلف به محیط زیست (طبیعت و عناصر آن) و همچنین، به فواید و اثرهای آن اشاره کرده و در کنار این اشاره‌ها به لزوم حفاظت از آن نیز پرداخته‌اند. ضمن آنکه بسیاری از این تذکرات و اشاره‌ها خود متضمن لزوم حفاظت از محیط زیست نیز هستند. آیاتی از قرآن کریم در موارد متعددی انسان را مورد سؤال قرار داده یا او را به دستورهای امر کرده است که یکی از مصادیق بارز این سئوالات و اوامر می‌تواند محیط‌زیست باشد (بقره: ۱۶۸، نحل: ۹۰ و ۹۳، حج: ۳، طه: ۸۱، نساء: ۱۳۵، اسراء: ۲۶ و بقره: ۱۹۵) این در حالی است که قرآن کریم به بسیاری از اصول و قوانینی که ضامن بقا و تداوم حیات عالم هستی است، اشاره می‌فرماید که مرعی داشتن این قوانین خود مرحله‌ای از حفاظت از محیط‌زیست است. به بیان دیگر، واضعان قوانین باید توجه داشته باشند که قانونگذاریشان در طول و در حفاظت از این قوانین الهی باشد. برای نمونه، می‌توان به موزون بودن عالم هستی و خلق عالم بر اساس توازن اشاره کرد (حجر: ۱۹) که توجه به آن به این معناست که انسان نباید عملی مرتکب شود که سبب برهم خوردن این توازن و تعادل شود. موضوع بعدی اشاره شده در قرآن کریم که تجاوز به آن سبب برهم خوردن این تعادل محیط می‌شود "اندازه و قدر" است (رعد: ۸، اعلی: ۳، فرقان: ۲، قمر: ۴۹، حجر: ۲۱ و بسیاری از آیات دیگر). به بیان دیگر، در ارتباط با طبیعت و بهره‌گیری از منابع آن باید به گونه‌ای رفتار شود که اولاً قدر و اندازه ملاک عمل قرار گیرد و ثانیاً تغییرات اندازه‌ها به حدی نباشد که

سبب تخریب محیط زیست و از بین رفتن گونه‌هایی شود. حق بودن خلق الهی یا به باطل و بازیچه آفریده نشدن آنها (حجر: ۸۵، ابراهیم: ۱۹، انبیاء: ۱۶، آل عمران: ۱۹۱ و...) نیز موضوع مهم دیگری است که به بشر می‌آموزد تا از انهدام طبیعت و عناصر طبیعی در راه‌های باطل و بیهوده احتراز کند.

علاوه بر آن، قواعد فقهی متعددی همچون قاعده "لاضرر"، قاعده "ضمان"، قاعده "اتلاف"، قاعده "تسبیب" و قاعده "عدالت" را نیز می‌توان به عنوان بستر و منبعی برای حقوق محیط زیست در فرهنگ اسلامی معرفی کرد^۱. مضافاً این که بسیاری از اصول که در ظاهر به عنوان ارزش و موضوعی اخلاقی معرفی می‌شوند و البته، می‌توانند در هر قلمروی از حیات مصداق خاص خویش را داشته باشند - مثل قناعت، خودکفایی، احتراز از اسراف و تبذیر و... - نیز پشتوانه‌های محکم اجتماعی از حمایت از حقوق محیط زیست هستند. این اصول در واقع قوانین نانوشته‌ای را برای قرن‌های متمادی در ممالک مسلمان‌نشین و به‌خصوص در نواحی و اقالیمی که حفاظت از محیط زیست و طبیعت از اهمیت شایان توجهی برخوردار بوده است به اجرا در آورده‌اند که نمونه بارز آن را در مناطق بیابانی و نیمه‌بیابانی ایران می‌توان مشاهده کرد [۱۷، ۱۸ و ۱۹].

۳. تفاوت‌های نگرش به طبیعت

از آنجایی که برخی ویژگی‌های مرتبط با محیط زیست برگرفته از جهان‌بینی اسلامی و فرهنگ ایران در بخش گذشته ذکر شد، در این قسمت به دلیل احتراز از اطالۀ کلام از تکرار آنها خودداری و به موضوعاتی اشاره خواهد شد که در تفکر معاصر غرب رایج بوده است یا اینکه به مثابه مبانی نظری موضوعات مرتبط با حقوق محیط زیست ایفای نقش می‌کنند.

جداکردن زندگی مادی و معنوی - حتی در صورت اهمیت دادن مناسب به هر دو - را می‌توان از مبانی تفکرات غرب دانست که از زمان ارسطو با تفکیک "فیزیک" و "متافیزیک" مطرح می‌شود. این در حالی است که تفکر اسلامی وجود را واجد وحدتی می‌داند که در

۱. "علی‌البد ما اخذت تؤدی"، "لاضرر و لاضرار فی الاسلام"، "من اتلف مال العیر فهو له ضامن"، "من اضر بشیء من طریق المسلمین فهو ضامن له" و "لاظلمون و لا تظلمون". برای مطالعه بیشتر به مرجع [۱۶] رجوع کنید.

سلسله مراتبی متقن ظهور می‌یابد و در قالب غیب، شهادت - متشکل از عالم طبیعت و عالم امر یا ملکوت - مطرح است؛ به بیان دیگر، هر موجودی مادی واجد ملکوتی است و هر موجود روحانی می‌تواند جلوه‌ای مادی داشته باشد. عالم جدید همان‌طور که روح و معنای عالم وجود و مواد تشکیل‌دهنده آن را منکر می‌شود یا حداقل آن را مسکوت می‌گذارد، روح معنوی علوم گذشته را نیز که هدایتگر دانشمندان بوده است، مغفول می‌نهد. این در حالی است که می‌توان گفت آن دوره‌ای که عده‌ای به نام علم به حذف معنویت و متافیزیک از حیات و زندگی علمی می‌پرداخته‌اند و با تصویب کردن "مار" تک‌بعدی بودن حیات را به جهانیان القا می‌کردند، امروزه حتی کسانی که به ماوراءالطبیعه اعتقاد ندارند نیز به انحسای مختلف به آن متمسک می‌شوند و با عناوینی چون اخلاق و معنویت در پی مبارزه با مشکلات پیش‌رو هستند.

آنچه در غرب می‌گذرد، در تدام همان تفکری است که موجد وضعیت حاضر و تخریبات وارده شده به محیط زیست بوده است. به این معنا که هنوز هم طبیعت موجودی بی‌شعور و بی‌هدف قلمداد می‌شود که فقط به منظور فراهم آوردن امکان تداوم حیات انسان غربی باید از آن محافظت شود. این تفکر بیش از آنکه غریبان؛ یعنی عاملان وضعیت کنونی را ملزم به رعایت قوانین زیست‌محیطی کند، تمرکز را بر هدایت جهان سوم و در حال توسعه نهاده و در بسیاری موارد خویش را - به دلیل صاحب قدرت مادی و نظامی و سیاسی و اقتصادی بودن - از این وظیفه مستثنا و مبرا می‌داند که نمونه آن را در خروج آمریکا از پیمان کیوتو می‌توان مشاهده کرد. مضافاً اینکه بسیاری صنایع آلاینده، قدیمی و خارج از رده به ممالک آسیایی و آفریقایی صادر می‌شود. حتی اقلامی از فرآورده‌هایی که همزیستی و تناسبشان با ویژگی‌های انسان و محیط زیست به اثبات نرسیده است در ممالک جهان سوم به کار گرفته و آزمایش می‌شوند. این در حالی است که تفکر اسلامی طبیعت را موجود و مجموعه‌ای هوشمند می‌داند و برای اجزای آن اعم از حیوانات و گیاهان و حتی زمین حقی قائل است که در جای خود به آن اشاره شد.

نگرش‌هایی که در دوران معاصر به طبیعت وجود دارد از جهات مختلفی دارای اشکال هستند. برای نمونه، نگرش رمانتیک به طبیعت بیشتر جنبه احساسی و عاطفی دارد تا وجهی

عقلانی یا معنوی گرایانه‌ای که بر باور به هوشمند بودن جهان و طبیعت و تقدس آن استوار است. نگرش راسیونالیستی نیز بهره‌گیری اقتصادی از طبیعت را - مادامی که آثار مخرب اعمال و برنامه‌های انسانی ظاهر نشده است - وجهه همت خویش قرار می‌دهد. پس از بروز مشکلات و نتایج فاجعه‌آمیز این نوع نگرش نیز تنها تا آن حد به اصلاح روش خویش توجه می‌کند که بتواند محیط را مستعد استثمار دوباره خود کند. نگرش طبیعت‌گرایانه عمدتاً به حفظ و حراست از طبیعت آن‌گونه که هست نظر دارد و به استكمال آن توجهی جدی نشان نمی‌دهد.

در غرب دکارت واضع نظریه‌ای است که برای شناخت یک جسم، تقسیم مکرر آن را تا جایی که دیگر نتوان آن را تقسیم کرد، توصیه می‌نماید. این در حالی است که اگرچه در برخی مواد و عناصر خاص حفظ خواص تا تقسیمات نهایی - اتمی یا مولکولی - می‌تواند مقرون به صحت باشد، اما در بسیاری زمینه‌ها همچون جامعه انسانی یا اکوسیستم‌های طبیعی صدق نمی‌کند. ضمن آن که این نوع تفکر که اساساً بر ماده و عینیت و تجربه و مشاهدات حسی استوار است، جنبه‌های معنوی و نمادین و رموز و غیب و معنای اشیا و پدیده‌ها و حتی علوم و زمینه‌های فرهنگی و ارزشی و دینی و محیطی موجود آنها را در محاسبات خویش منظور نمی‌کند. به این ترتیب، استنتاجات و نتیجه‌گیری‌ها نیز فقط با توجه و لحاظ کردن نازلترین وجه عناصر؛ یعنی وجه مادی آنها به دست آمده است، در حالی که در مکاتب دینی و عرفانی به خصوص در شریک که بسرای اشیا مسلکوت و معنا و اصلی متافیزیکی قایل است، این قلمرو اصل است و غفلت از آنها هرگونه بررسی را ابرتر می‌گذارد.

مرغ بر بالا و پیران سایه‌اش	می‌دود بر خاک، پیران مرغ‌وش
ابلهی صیاد آن سایه شود	می‌دود چندانکه بی‌مایه شود
بی‌خبر کان عکس آن مرغ هواست	بی‌خبر که اصل سایه از کجاست

یکی از علل و اسباب عمده‌ای که به عنوان علت اصلی بروز تخریب و انهدام محیط زیست و طبیعت از سوی برخی متفکران همچون توین‌بی مطرح شده است، کرامت و رجحانی است که ادیان ابراهیمی برای انسان نسبت به طبیعت قائل شده‌اند. او با استناد به این

نکته و با غفلت از دستورهایی که برای برخورد با طبیعت و استفاده از منابع آن در ادیان آمده است، ادیان را بانی تخریب طبیعت معرفی می‌کند. این امر شاید در مورد پیروان مسیحیت غربی که فاقد شریعت؛ یعنی برنامه و حقوق برای زندگی اجتماعی بوده و عرف و قوانین بومی را ملاک قرار می‌داده‌اند تا حدی درست باشد، ولی به‌طور کلی برای ادیانی چون اسلام و یهودیت و مسیحی شرقی که برای طبیعت تقدس قایل بوده‌اند مصداق ندارد. ضمن آنکه دینی چون اسلام که واجد شریعتی گسترده و جامع است، جزئیات کامل نحوه ارتباط انسان با طبیعت و بهره‌گیری از آن را در اصولی که در بخش قبل ذکر شد و بسیاری اصول دیگر تعیین کرده است. یادآوری این نکته نیز ضرورت دارد که یکی از وجوه بارز فرهنگ اسلامی وجود شریعت یا فقه آن است که اهمیت فقه بیانگر اهمیت وجوه مختلف حقوق در جامعه است.

از دیگر پایه‌های مشکلات موجود انهدام بنیادهای مبتنی بر توجه به رابطه هماهنگ انسان با طبیعت است. این انهدام نیز خودبه‌خود حاصل نشده است، بلکه به نوبه خویش حاصل تضعیف یا انهدام رابطه انسان با خداست. در حقیقت؛ انسان با قطع رابطه و هماهنگی خویش با خدای خود و خالق عالم وجود، روابط هماهنگ خود را با سایر مخلوقات و کل عالم هستی را نیز دچار خدشه کرده است. او که در پی استیلای بر طبیعت است، شاید در کوتاه مدت و از نظر ظاهری بتواند بر این آرزو جامه عمل بپوشاند، ولی باید بداند که طبیعت هوشمند برای برقراری دوباره تعادل در خود جملگی نیروهایش را بسیج می‌کند و با انسان به مقابله برمی‌خیزد تا او را به راه آورد. این مبارزه ناموس یا قانون خلقت است که گزیر و گریزی از آن نیست و موضوعی است که هم شواهد و نمونه‌های فراوانی از آن به‌صورت مکتوب و مستند وجود دارد و هم اینکه از سوی متفکران و در تعالیم و حیانی نیز به آن اشاره شده است. از جمله مرحوم علامه طباطبایی (ره) در این زمینه می‌فرماید: "هر موجودی در ضمن نظام وجودی خاص خود حرکت می‌کند و اگر از خط معینی که سایر ارباب برای او معین کرده‌اند منحرف شود، به اختلال نظام آنها منجر خواهد شد و این، درگیری یک موجود است با نظام علل و اسباب. در این حال ارباب هستی؛ یعنی اجزای دیگر عالم وجود به‌پا می‌خیزند تا کار این موجود را تعدیل کنند و آن را به خطی بازگردانند که با آنها سازگار باشد و شر را از خود دفع کنند. اگر این جزء هستی که از راه راستی که برای او ترسیم کرده‌اند منحرف شده و به استقامت گراید که چه بهتر و گرنه اسباب خردکننده طبیعت و مصیبت‌ها و بلایای نازله،

پایمالش خواهند ساخت و این یکی از نوامیس کلی طبیعت است" [۲۰].

تفکر جزء‌گرایانه یکی از اصول بنیادین تفکر مدرن است که یکی از جلوه‌های بارز آن به صورت توصیه مناطق حفاظت شده ظاهر می‌شود. یکی از مباحث و روش‌هایی که در حفاظت از محیط زیست مطرح است، انتخاب مناطق و محدوده‌هایی با عنوان مناطق حفاظت شده است. بدون نفی لزوم حمایت از نواحی و مناطقی که یا آسیب‌پذیرتر یا محل زیست گونه‌هایی نادر از گیاهان و جانوران هستند یا اینکه - از همه مهمتر - آسیب به آنها می‌تواند به عنوان خطری برای حیات موجودات به طور عام و حیات انسان مطرح باشد، توجه به این نکته ضرورت دارد که حفاظت این مناطق در دل مناطقی وسیع که حفاظت و حمایتی از آنها به عمل نمی‌آید، به مرور آنها را در محاصره مناطق نامناسب و تخریب شده - از نظر زیست‌محیطی - قرار خواهد داد؛ به بیانی دیگر، سایر مناطق - حفاظت نشده - به مرور - از نظر زیست‌محیطی - به مناطق تخریب شده‌ای تبدیل می‌شوند که نیازمند حمایتی بیش از زمان حال خواهند بود. بنابراین، مناسب‌ترین راه تهیه برنامه جامع زیست‌محیطی برای کل کشور و حتی همکاری و معاضدت با سایر همسایگان برای حفاظت از محیط زندگی است.

اگرچه مکاتب و ادیان الهی هر موجودی را واجد معنا و جان می‌دانند، ولی علوم امروز به این امر قایل نیستند و بر آنچه عینی و مشهود است اشاره دارند. مثلاً، عوامل تشکیل‌دهنده محیط طبیعی را به دو گروه عوامل بی‌جان و عوامل جاندار (عوامل غیرآلی و آلی) تقسیم می‌شود [۲۱]. این در حالی است که در همین جامعه‌ای که این‌گونه اظهار نظر می‌شود، حتی اگر به دارای شعور بودن و هوشمند بودن جهان نیز توجه نکنیم، حیواناتی چون کبوتر، شیر، گوسفند، آهو، مورچه، زنبور عسل و گیاهانی چون توت، چنار، گل محمدی، یاس، انار، انجیر و حتی عناصر بی‌جانی چون آب، خاک، باد، نور و بسیاری عناصر طبیعی دیگر، معانی نمادین والایی را در خویش مستتر دارند [۲۲]. به این ترتیب، الگوی رایج جهانی در تعریف طبیعت و عناصر طبیعی و محیط زیست همه را تحت تأثیر قرار داده است و این ناشی از تفکری است که اصولاً علم را فاقد معنا و پشتوانه‌ای معنوی و معرفتی می‌داند. "مفهوم و نظریه جدید، وقتی خواست علوم را اساساً از هرگونه اصل و مبدأ به بهانه استقلال آنها، جدا سازد، هر نوع مفهوم عمیق و حتی هرگونه مصلحت و نفع حقیقی از نظر معرفت را از آنها سلب می‌کند و این نظریه بدین سان، بجز به بن‌بست به جایی دیگر نمی‌تواند پیوندد، زیرا علوم را در

حوزه‌های ضرورتاً محصور می‌سازد^۱. و همهٔ اینها منبعث از این جهانی و دنیایی کردن فعالیت‌های انسانی است. دکارت با ادعای اینکه علت غایی امور عالم برای انسان معلوم شدنی نیست، معتقد بود که در علم و حکمت نباید به دنبال علت‌های غایی امور رفت و فقط چگونگی و اسباب و علت‌های فاعلی و محدثه آنها را باید جستجو کرد [۲۴].

۴. اجمالی از وضعیت امروز

تاریخ تدوین قوانین بین‌المللی حفاظت از محیط زیست به سال ۱۸۶۸ برمی‌گردد که در آن سعی شد موافقت بین‌المللی برای حفاظت از پرندگان مفید برای کشاورزی صورت گیرد و قانون بین‌المللی آلودگی دریاها نیز در دهه ۱۹۵۰ میلادی تدوین شد. علی‌رغم همهٔ اینها، موضوعات زیست‌محیطی و حفاظت از محیط زیست به عنوان بخشی که در شکل‌گیری سیاست‌های بین‌المللی نقشی عهده‌دار باشد مطرح نبود. نخستین اقدام عملی به ابتکار سازمان ملل در سال ۱۹۷۲ و در شهر استکهلم در مورد محیط انسان انجام شد. علی‌رغم اینکه در این کنفرانس به دلیل تضادهای بلوک‌های شرق و غرب موضوعات جنبی سیاسی متعددی مطرح شد، در مطرح کردن سئوالات جدی زیست‌محیطی توفیقی نسبی حاصل شد. پیمان‌های وین و پروتکل مونرال در مورد لایه ازون از دیگر اقدامات بین‌المللی است. متعاقب آن کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ تشکیل شد که به عنوان یکی از کنفرانس‌های مهم در زمینه حفاظت از محیط زیست شناخته شده است. پروتکل کیوتو در سال ۱۹۹۷ از کشورهای پیشرفته خواست تا از میزان تولید گازهای گلخانه‌ای بکاهند. یکی از مشکلات اساسی فراروی چنین کنفرانس‌هایی رنگ و بوی سیاسی دادن به آن توسط ممالک قدرتمند سیاسی و نظامی و اقتصادی است که بیشترین آلاینده‌ها را تولید و مصرف می‌کنند، بیشترین تخریب‌های قبلی را به وجود آورده‌اند، بیشترین امکان تخریب - مثل بمب‌های اتمی - را در اختیار دارند و به

۱. در شئون اجتماعی نیز وضع مشابهی پیش آمده است و در اینجا نیز متحدین مدعی جدا کردن امور معنوی و دنیوی از هم شده‌اند. منظور اعتراض بر این نکته نیست که در این زمینه دو امر محزا و مشخص وجود دارد، زیرا این دو امر به واقع مربوط به شئون مختلف هستند، بلکه مقصود این است که بر اثر خطایی که ذاتی روح تحلیل و تجزیه است، فراموش شد که معنی تمایز به هیچ وجه حادایی نیست [۲۳].

همین دلیل، غالباً با مطرح شدن هر موضوعی که به نحوی با آنها مرتبط است موافق نیستند و آن را با عنوان "سیاسی کردن موضوع محیط زیست" نفی می‌کنند.

یکی از اشکالات روش‌ها و برنامه‌ها و طرح‌ها و قوانین و حقوق رایج در میان بشر امروز در مورد طبیعت آن است که علی‌رغم نکات مثبت و قابل تقدیر و توجه آن اصولاً در پی اصلاح اصول و جهان‌بینی و نحوه نگرش خویش به عالم وجود و همچنین، اصلاح چگونگی برخورد و بهره‌گیری از طبیعت نیست، بلکه به دنبال یافتن راه‌های تقلیل تخریب‌هاست. در حقیقت، او خواستار رفع مشکل نیست، بلکه در پی حل آن است. برای نمونه، انسان شهرنشین و متمدن امروزی به‌جای آنکه با تحقیق و مطالعه علل معضلات شهر و محل زندگی خود را مرتفع کند، برای فرار از شرایط نامناسب زندگی شهری با همان معیارها و نگرش و روش زیست به روستا و طبیعت و حومه‌ها پناه می‌برد و به مرور این مناطق را تخریب و آنها را نیز به سرنوشت شهرها مبتلا می‌سازد. نمونه دیگر آنکه انسان مدام در پی کشف سوخت‌های جدید یا تقلیل آلاینده‌های ناشی از مصرف زیاد و بی‌رویه سوخت است، در حالی که راه حل اصولی آن است که باید در پی تقلیل مصرف سوخت از طریق شناسایی علل سفرها و کاهش آنها باشد. البسته، با جهان‌بینی و آرمان‌هایی که تصمیم‌گیرندگان و مدسازان و تولیدکنندگان و سرمایه‌داران تصویر می‌کنند که مصرف و تزاید مصرف لازمه و ضرورت بقا و حیات آن است، مرتفع کردن اصولی و منطقی مشکلات بعید به نظر می‌رسد. در واقع، تا موقعی که بشر شیفتگی خویش به مصرف یا به عبارتی، تلقی خویش از مصرف را تغییر ندهد، امکان اصلاح مسیر نیز مشکل می‌نماید.

یکی دیگر از موضوعاتی که امروزه مهجور مانده است و نیازمند احیای دوباره است، نگرش به طبیعت در قالب تفکر دینی است که به تقدس عالم هستی منجر شود. تقدس‌زدایی یا به عبارتی، سکولاریزه کردن طبیعت و عناصر طبیعی و رابطه انسان با طبیعت و بی‌شعور قلمداد کردن آن موضوعی است که حتی در میان دینداران نیز رواج یافته است. در حقیقت، یکی از ویژگی‌های بارز دوران سلطه تفکر مدرنیستی که به تبع ارزش‌هایی که علم مدرن مروج آن است گریبانگیر انسان - و حتی دینداران - شده است، کمیت‌گرایی است. کمیت‌گرایی با حذف معنا و بعد معنوی و متافیزیکی عالم وجود (طبیعت و اجزای آن) در پی تبدیل و تعریف و جایگزینی کیفیات با کمیات است. این سخن به معنای حذف ارزش وجه

ریاضی و کمی جهان که تعالیم و حیانی نیز به آن اشاره کرده و از آن به عنوان آیات الهی یاد نموده‌اند (زخرف: ۱۱، مرسلات: ۲۲ و ۲۳، رعد: ۸، مریم: ۹۴، یونس: ۵، طلاق: ۳، قمر: ۴۹، حجر: ۲۱ و نبأ: ۲۹) نیست، بلکه سخن در این است که در تعالیم و حیانی و تفکر دینی کمیت همواره با کیفیت همراه است و اصولاً این کمیت است که بدون کیفیت و بدون استواری بر معنویت معنا ندارد. در تفکر دینی کمیات و اشکال و اعداد و صور جملگی حامل و واجد معانی معنوی و کیفی هستند و به اصلی معنوی و ماوراءالطبیعی اشاره داشته‌اند. در حالی که جهان مدرن به تبعیت از تفکر و شیوهٔ راسیونالیستی و کمیت‌گرایی خویش در پی حذف متافیزیک و معنویت جهان بوده است.

مشکل بنیادین دیگر همچون سایر موارد مبتلابه انسان متجدد تک‌بعدی یا به عبارتی، دنیایی بودن منشأ و دغدغه قانونگذاران است. به این ترتیب که دغدغهٔ اصلی یا علت اصلی دغدغهٔ کسانی که با اظهار نگرانی در مورد وضعیت محیط زیست طبیعت و برای حفظ آن قانون وضع می‌کنند، از موضوعات نظری و معنوی نشأت نگرفته است، بلکه علت اصلی را در نگرانی از عواقب دهشتبار تخریب محیط که علم و تکنولوژی مدرن بانی آن بوده‌اند باید جستجو کرد. البته، منظور نفی آنچه انجام شده نیست، بلکه مقصود تذکر تک‌بعدی بودن و نقص وضع موجود است که یکی از مهمترین ابعاد حیات و عالم هستی؛ یعنی بعد معنوی و روحانی آن را مغفول می‌نهد. ضمن آنکه در روند حاضر علاوه بر امکان تخطی، زمینهٔ تعطیل قانون در صورت حل برخی مشکلات موجود محتمل است. در حقیقت، رابطهٔ استثمار و سلطه‌جویان بر طبیعت کماکان وجود داشته و طبیعت به جای آنکه موجودیتی شفاف که آینه‌وار قدرت و علم و وحدانیت الهی را متذکر است و به عنوان آیه - یا مجموعه‌ای از آیات - ایفای نقش می‌کند، به مثابه توده‌ای تیره مادی تلقی می‌شود و این یکی از نقاط انحطاط بشریت دوران مدرن است.

در تبیین علل تخریب محیط زیست نیز برای کشورهای صنعتی عواملی چون صنعتی شدن - و به تبع آن مسائل اجتماعی ناشی از آن - و در مورد کشورهای جهان سوم فقر و گرسنگی و بیکاری و در یک کلام جهان سومی بودن را علت اصلی برمی‌شمارند [۲۱]، در حالی که علت اصلی همان دگرگونی بیش بشریت جامعه صنعتی به جهان و انسان و استعمار و استثماری است که حاصل آن بروز ممالک و انسان جهان سومی بوده است؛ یعنی باز هم علت اصلی

فراموش شده است و علل ظاهری مادی مدنظر قرار می‌گیرد.

مروری اجمالی بر اقدامات بین‌المللی که عمدتاً از سوی قدرت‌های بزرگ جهانی یا جوامع آنها در مورد حفاظت از محیط زیست انجام شده است، حاکی از آن است که تا قبل از سال ۱۹۷۲؛ یعنی سال انعقاد کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست در شهر استکهلم، محیط و مسائل مربوط به آن در مقولات و موضوعات و مراودات سیاسی که بتواند ضامن اجرایی معتبری بیابد جایگاهی نداشت. با مطرح شدن نقش نژادپرستی و افزایش مناطق اتمی در جهان و همچنین، آثار سرمایه‌داری جهانی، آمریکا و متحدانش دخالت‌دادن این موضوعات سیاسی را ناصواب اعلام و از ابراز آن اظهار تأسف کردند. این در حالی است که به مرور و با مطالعات بیشتر نشان داده شد که مسیبان تخریب محیط زیست کشورهای پیشرفته صنعتی هستند. به منظور هماهنگ‌کردن توسعه و رشد اقتصادی که مغایر با حفاظت محیط زیست جلوه می‌کرد، در کنفرانس ریو (در سال ۱۹۹۲) تعبیر و اصطلاح "توسعه پایدار" ابداع و مطرح شد تا بدینوسیله در باره توسعه همراه با حفاظت از محیط زیست برنامه‌ریزی شود. اصل ۴ اعلامیه ریو به دولت‌ها تأکید می‌کند که "به منظور دستیابی به توسعه پایدار، حفاظت از محیط زیست باید به عنوان جزء تفکیک‌ناپذیر توسعه تلقی شود و نباید آن را به‌طور جداگانه مورد بررسی قرار داد" [۷]. ولی از آنجایی که اصولاً توسعه بنابه ماهیت مادی و اقتصادی خویش [۲۵] همچنان در پی دستیابی به حداکثر بهره اقتصادی است و پایدار بودن نیز ملهم از مضامین و مبانی معنوی نیست و در حقیقت، جامعیت و وحدت انسان و عالم وجود را مد نظر ندارند، توفیق در خور توجهی کسب نشده است. در واقع، این اعلامیه نیز اقتصاد را به عنوان مبنای توسعه می‌پذیرد، ولی در عین حال توجه به مسائل زیست محیطی را توصیه می‌کند. اگرچه نمی‌توان کندشدن تخریب محیط زیست را از نظر دور داشت، عدم تعهد اخلاقی و معنوی و حتی قانونی و صوری دولت‌ها به معاهدات و پروتکل‌های بین‌المللی همچنان مسئله‌ساز است که نمونه آن را در خروج آمریکا از پروتکل کیوتو (۱۹۹۷) می‌توان دید که از کشورهای توسعه یافته خواسته است که از سال ۲۰۰۸ تا سال ۲۰۱۲ تنها حدود ۵٪ از تولید گازهای گلخانه‌ای بکاهند. به این ترتیب، مطرح شدن بحران زیست محیطی با عنوان بحران اخلاقی و معنوی امری انکارناپذیر است.

موضوع بسیار مهم در تدوین قوانین زیست محیطی توجه به وجه بین‌المللی و جهانی قوانین

و اهتمام در همگانی کردن آنهاست. این اهمیت بدان دلیل است که امکان محدود کردن حوزه تأثیر تخریبات یا حفاظت‌های محیطی در محدوده‌های خاص جغرافیایی وجود ندارد. به همین دلیل است که فراهم آوردن امکان تفاهم و همکاری‌های بین‌المللی و احتراز از تکروی جوامع و دولت‌ها امری ضروری است. نمونه بارز این مورد را می‌توان در مخالفت آمریکا با پیمان جهانی کیوتو مشاهده کرد که نه تنها اجرای پیمان را با مشکل مواجه کرده است که فراتر از آن اجرای پیمان توسط دیگر کشورها نتیجه مورد انتظار را در حفاظت از محیط زیست در پی نخواهد داشت. علاوه بر آن، پیش‌بینی ضمانت‌های اجرایی برای انجام‌شدن تعهدات بین‌المللی ضرورت دارد. برای نمونه، می‌توان به بی‌اعتنایی کشورهای صنعتی در پایبندی به تعهداتی که در اجلاس ریو، پروتکل مونترال و کنوانسیون استکهلم پذیرفته بودند اشاره کرد که جلوه‌ی این تغییر موضع این کشورها و فقدان ضمانت اجرایی تعهدات بین‌المللی را می‌توان در عدم توفیق مورد انتظار اجلاس بالی مشاهده کرد.

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مشکلات زیست‌محیطی دوران معاصر به حدی است که کمتر کسی را می‌توان یافت که آن را انکار کند یا از آن بی‌خبر باشد. ولی با کمال تأسف کسانی که به دنبال شناسایی علل واقعی بروز این مشکلات هستند بسیار اندک‌اند.

یکی از مهمترین نکاتی که به مثابه اهمیت "پیشگیری" بیش و پیش از "درمان" در علم پزشکی مطرح است، توجه به نیالودن و احتراز از بروز تخریب در محیط قبل از هرگونه برنامه حفاظت موردی است؛ به عبارت دیگر، تدوین برنامه جامع و همه‌سوانگری که کلیت محیط زیست انسان و طبیعت را تا حد توان مدنظر قرار دهد، می‌تواند به بی‌نیازی از برنامه‌های حفاظتی گسترده منجر شود.

از دیگر راه‌های تضمین حفاظت محیط زیست و طبیعت از گزند فعالیت‌های نامناسب جوامع انسانی، ارتقای فرهنگ جامعه و یا به عبارتی، فرهنگ‌سازی و بسیانگذاری مبانی معرفتی در جامعه به نحوی است که جامعه را در برابر گزند هرگونه نظریه و علمی که منجر به انهدام طبیعت می‌شود، مقاوم کند. در واقع، ارتقای فرهنگی به همراه باوری که موجب مصونیت فرهنگی می‌شود سبب از کارافتادن تهاجم فرهنگی و همچنین، گسترش و تقلید از

علوم و فنونی می‌شود که به نحوی فرهنگ جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهد. باید دانست که فقط فرهنگ قوی و قدرتمند است که بیش از هر عنصر دیگری، حتی ارتش‌های قدرتمند، می‌تواند در برابر هجوم بیگانه - به ویژه افکار و آرای مخرب - مقاومت کند.

توجه به ضمانت اجرایی قوانین زیست‌محیطی نه تنها در بعد بین‌المللی که در داخل کشور نیز از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. توجه به وضعیت حاضر محیط زیست در عین وجود قوانین و حتی اختصاص اصلی (اصل ۵۰) در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیانگر فقدان ضمانت اجرایی قوانین زیست‌محیطی در کشور است، در واقع، علیرغم کمبودها و عدم جامعیت قوانین محیط زیست، قوانین و مقررات موجود نیز غالباً نادیده انگاشته می‌شوند و به‌خوبی اجرا نمی‌شوند.

مخاطبان قانون معمولاً متشکل از دو گروه "شهروندان" و "سازمان‌ها و تشکیلات" است که به‌نظر می‌رسد اولاً آموزش هر دو گروه در زمینه اهمیت دادن به قوانین زیست‌محیطی و لزوم اجرای آنها و ثانیاً تعهد به اجرای قوانین و ثالثاً مجازات خاطیان از اهم موضوعاتی است که توجه جدی را طلب می‌کند.

موضوع مهم دیگر، لزوم توجه به روح طبیعت است. اگرچه بسیاری از روح طبیعت سخن گفته‌اند یا برخی آن را تعبیری شاعرانه تلقی می‌کنند، ولی تعالیم و تفکرات دینی و از جمله تعالیم و حیاتی اسلام بر واحد روح (ملکوت) بودن عالم وجود و از جمله طبیعت و جمادات و به عبارتی، هوشمند بودن عالم اشاره دارند^۱.

یکی از بنیادی‌ترین اقدامات را باید بر آموزش جامعه استوار دانست که دو وجه آن از اهمیت برخوردار است: یکی آموزش‌های آکادمیک که از دوران دبستان باید آغاز شود تا بتوان به مرور تلقی جامعه را از طبیعت و محیط زیست اصلاح کرد و دیگر آموزش‌های

۱. "و کذالک نری ابراهیم ملکوت السموات و الارض: و همچنین، ما به ابراهیم ملکوت آسمان‌ها و زمین را ارائه دادیم" (انعام: ۷۵). "تسبیح له السموات السبع و الارض و من فیهن و ان من شیء الا یسبح بحمده و لکن لاتفقهون تسبیحهم انه کان حلیماً غفوراً: هفت آسمان و هرچه در آنهاست همه به ستایش و تزیه خدا مشغول‌اند و موجودی نیست جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست، ولیکن شما آنها را فهم نمی‌کنید. همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است" (بنی‌اسرائیل: ۴۴) و مرجع [۱۳].

عمومی است که از طریق مختلف - رسانه‌های جمعی و... - باید در تکمیل آموزش‌های آکادمیک به کار گرفته شوند.

یکی دیگر از اساسی‌ترین موضوعاتی که توجه جدی را طلب می‌کند، هماهنگی نمودن و هماهنگ کردن قوانین مختلف مانند قوانین ثبت و قوانین ملاک عمل شهرداری‌ها و قوانین و مصوبات شورای عالی معماری و شهرسازی با قوانین حفاظت محیط زیست است، زیرا در صورت نبودن هماهنگی لازم همان‌گونه که امروزه در بسیاری از موارد شاهد هستیم، با استفاده از قوانین موجود و از جمله استناد به مواد مختلف ثبت با تفکیک و تغییر کاربری باغ‌های درون شهرها که قوانین کشور و مصوبات شورای عالی معماری و شهرسازی حفاظت از آنها و عدم تغییر کاربریشان را لازم می‌داند، این باغ‌ها در حال نابودی هستند که نمونه بارز این روند در شاهرود، سمنان، قائمشهر و بسیاری شهرهای دیگر قابل استناد است.

در روند مطالعه و قانونگذاری و برنامه‌ریزی برای حفاظت از محیط‌زیست باید توجه داشت که توجه به طبیعت به مرور به مذهب اصالت طبیعت^۱ تبدیل نشود. این امر - یعنی غفلت از علل و اسباب اولیه هدایت و تشویق و حتی اجبارکننده انسان به حفاظت از طبیعت - و روش و وسیله را هدف و اصل پنداشتن موضوعی است که در صورت بی‌توجهی همچون بسیاری مقولات دیگر احتمال بروز آن وجود خواهد داشت. علت اصلی بروز چنین امری را نیز می‌توان در مخفی بودن یا ناآگاهی بسیاری از مردم به مبانی نظری و فلسفی موضوع دانست. برای نمونه، در مقوله معماری و شهرسازی، موسیقی، هنر، لباس، غذا و به‌طور کلی شیوه زیست مثال‌های بی‌شماری را می‌توان ذکر کرد که متدینان به شیوه دیگران مشی می‌کنند. در بسیاری مقولات نظری همچون توجه به انسان و عقل نیز به دلیل ترجمه‌ها و معادل‌گزینی‌هایی ناصواب و ناقصی که انجام شده است، این امر - غفلت از معنا و مراد واقعی و استحاله مفاهیم بومی و ملی به سمت معانی بیگانه - به‌وقوع پیوسته است.

مراجع

۱. تقی زاده، محمد، مبانی معنوی در آموزش علوم مهندسی، مجله آموزش مهندسی ایران (فصلنامه گروه مهندسی فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران)، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۸۰.
۲. امین زاده، بهناز و تقی زاده، محمد، ریشه‌های توسعه پایدار در جهان‌بینی اسلامی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۴۶-۱۴۵، مهر و آبان ۱۳۷۸.
۳. تقی زاده، محمد، مقایسه مفهوم واژه‌ها در عالم سنت و دوران مدرن، مجله پژوهش، نشریه پژوهشکده علوم انسانی - اجتماعی جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران، شماره ۷، بهار ۱۳۸۱.
۴. مجموعه قوانین و مقررات حفاظت محیط زیست ایران (جلد اول)، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۹.
۵. بیانیه کنفرانس سازمان ملل در باره محیط زیست انسان، استکهلم، ۱۹۷۲.
۶. کنفرانس سازمان ملل متحد در باره محیط زیست و توسعه، اصل اول، همایش زمین، ریودوژانیرو، ۱۹۹۲.
۷. کیس، آلکساندر، حقوق محیط زیست، ترجمه: محمدحسن حبیبی، دانشگاه تهران، تهران، ص. ۵، ۱۳۷۹.
۸. مجموعه مقالات همایش بین‌المللی محیط زیست، دین و فرهنگ (۳۰-۲۸ خرداد ۱۳۸۰)، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۸۰.
9. Proceedings of the International Seminar on Environment, Religion and Culture, Department of the Environment I.R.Iran. Tehran, 2001.
۱۰. نصر، سیدحسین، دین و بحران زیست‌محیطی، ترجمه: محسن مدیرشانه‌چی، مجله نقد و نظر، شماره ۱۷ و ۱۸، زمستان و بهاد ۷۸-۱۳۷۷.
۱۱. رسول اکرم (ص)، نهج‌الفصاحه، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، جاویدان، تهران، ص. ۳۸۰، ۱۳۷۷.
۱۲. تقی زاده، محمد، آب، معماری و فرهنگ ایران، نخستین همایش بین‌المللی انسان و آب، رامسر، ۱۵-۱۳ تیرماه ۱۳۸۱.

۱۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیرالمیزان، جلد دوم، ترجمه: سیدمحمدباقر موسوی همدانی، مهر، قم، ص. ۱۰۴-۱۰۱، ۱۳۴۶.
۱۴. آمدی قمی، منیر، نگاه اسلام به حیوانات، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، ص. ۳۴۳-۳۴۲، تهران، ۱۳۷۸.
۱۵. حضرت علی (ع)، نهج البلاغه، ترجمه: عبدالمحمد آیتی، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، نامه شماره ۲۵، ص. ۶۳۹، تهران، ۱۳۷۸.
۱۶. علوم، محمدیوسف، معرفی اجمالی برخی از مبانی فقهی حرمت و ممنوعیت تخریب محیط زیست، مجموعه مقالات اولین همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۸.
۱۷. نقی زاده، محمد، جهان‌بینی اسلامی، توسعه پایدار و شهرهای بیابانی ایران، مجله محیط‌شناسی (مجموعه پژوهش‌های محیط زیست، نشریه دانشگاه تهران)، شماره ۲۷، تابستان ۱۳۸۰.
۱۸. نقی زاده، محمد و امین‌زاده، بهناز، بررسی معماری و شهرهای بیابانی ایران، مجله بیابان (نشریه علمی پژوهشی مرکز تحقیقات مناطق کویری و بیابانی ایران - دانشگاه تهران)، جلد ۶، شماره ۲، ۱۳۸۰.
۱۹. نقی زاده، محمد، معماری ایران و اصول توسعه پایدار، فصلنامه هنر (نشریه مرکز مطالعات و تحقیقات هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی)، شماره ۴۴، تابستان ۱۳۷۹.
۲۰. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیر المیزان، جلد بیستم، محمدی، تهران، ص. ۱۴، ۱۳۶۳.
۲۱. بهرام سلطانی، کامبیز، مجموعه مباحث و روش‌های شهرسازی (محیط زیست)، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، تهران، ۱۳۷۱.
۲۲. نقی زاده، محمد، الهام از طبیعت در ایجاد محیط زندگی اسلامی، مجله نامه فرهنگستان علوم (فصلنامه فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران)، شماره ۱۶، ۱۳۷۹.
۲۳. گنون، رنه، بحران دنیای متحد، ترجمه: ضیاءالدین دهشیری، امیرکبیر، ص. ۶۶، تهران ۱۳۷۸.

محمد نفی زاده، ۱۲۷

۲۴. فروغی، محمدعلی، سیر حکمت در اروپا، جلد اول، مطبوعاتی فتحعلیشاه، تهران،
۱۳۱۷.

25. Rao, P.K., Sustainable Development: Economics and Policy, Blackwell, Massachusetts, 2000.

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۸۱/۹/۱۰)